

بررسی حقوق بشر در آیین زرتشت و دین اسلام

اسماعیل اسلامی^۱

چکیده

مسئله حقوق بشر در ادیان الهی مختلف، بسیار مورد توجه بوده است. هدف از این پژوهش بررسی قوانین حقوق بشری در آیین زرتشت و دین مبین اسلام است. روش انجام این پژوهش کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از سایت‌های معتبر علمی و پژوهشی، کتب و منابع معتبر دینی، آیات قرآن، تفاسیر معتبر و مشهور و روایات است. حقوق بشر نشان‌دهنده آرمان عدالت در جامعه‌ای است که در آن جامعه، هر انسانی می‌تواند از زندگی آزادانه، همراه با صلح، آرامش، امنیت و رفاه برخوردار شود. تعیین حقوق بشر از نظر اسلام، وظیفه صاحب شریعت است و در قرآن کریم و سنت و سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حقوق بشر به صورت کامل و مشروح بیان شده است. حقوق بشر باید ماوراء الطبیعی و الهی باشد و این کار به واسطه ارسال ادیان مختلف صورت گرفته است و متن اصلی همه آنها دین ابراهیمی است. اگرچه منشور کوروش کبیر، سنگ‌نوشته‌ها، کنوانسیون‌ها و شورای حقوق بشر در زمینه حقوق انسان‌ها و رفع نژادپرستی‌ها مطرح شده‌اند، ولی مهم‌ترین آنها تعالیم ادیان الهی و کتب الهی به بشر است. امروزه از نظر اسلام و قرآن، دین اسلام، شایسته‌ترین و برترین دین برای تبیین حقوق بشر است.

کلیدواژه: حقوق بشر، دین زرتشت، آیات قرآن، دین اسلام، ادیان الهی، کتب الهی، کوروش کبیر.

۱. دکترای تخصصی مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

مقدمه

مفهوم حقوق بشر از مفاهیم اصلی علوم انسانی و علوم دینی به شمار می‌رود. حقوق بشر به حقوقی اشاره دارد که هر فرد با عنوان بشر از آنها بهره‌مند است و این حقوق به هیچ‌یک از ویژگی‌های دیگر از قبیل مذهب، زبان، رنگ، نژاد و جنسیت مرتبط نیست. به بیانی دیگر، حقوق بشر این است که هر انسانی صرفاً به دلیل بشر بودن، از حقوق معینی برخوردار است و شناسایی و احترام به این حقوق بر همگان واجب است. گیروث بیان کرده است: «الف» انسان است، بنابراین از حقوقی خاص بهره‌مند است» (گیروث، ۱۳۸۴: ص ۱۵۰). طبق نظریه جرمی والدرون، حقوق بشر بر ارزش ذاتی و برابری انسان‌ها و «فاعلیت انسانی» دلالت دارد (والدرون، ۱۳۸۷: ص ۱۶۰). کانت حقوق بشر در فلسفه اخلاق را به این صورت تعریف می‌کند که باید انسانیت هر انسان را به عنوان یک غایت و هدف در نظر بگیریم و هرگز از آن به عنوان وسیله‌ای برای اهداف دیگران استفاده نکنیم (والدرون، ۱۳۸۷: ص ۱۸۰؛ ملکیان، ۱۳۷۹: جلد ۳، ص ۱۶۰). در طول تاریخ، به‌سختی می‌توان دوره‌ای را تصور کرد که اندیشمندان درگیر حقوق بشر نبوده باشند؛ اگرچه تعابیر و اصطلاحات آن به‌کلی با امروز متفاوت بوده است. اما در دوره معاصر، حقوق بشر اهمیت بسیاری یافته و به یکی از اولین دغدغه‌های اندیشمندان و متفکران تبدیل شده است. البته همچنان مفهوم حقوق بشر، مانند بسیاری از مفاهیم ساختاری دیگر، به عنوان یکی از سر بسته‌ترین و پرچالش‌ترین مفاهیم اصلی و بنیادی معاصر باقی مانده است. حقوق بشر مختص قرن‌های حاضر و یا بشر با یک فرهنگ خاص نیست (جعفری، ۱۳۷۰: جلد ۲، ص ۲۳۰). رژیم حقوق بشر به دلیل توجه به حق حیات، آزادی، امنیت فردی و عدالت اجتماعی، از اهمیت بسیاری برای انسان برخوردار است (جعفری، ۱۳۹۴: ص ۱۰). انسان به عنوان اشرف مخلوقات و کسی که خلیفه خدا بر روی زمین است و از روح خدا بر او دمیده شده، طبیعی است که بر اساس داشتن حقوقی، باید همیشه مورد احترام قرار گیرد.

مسئله حقوق بشر در ادیان الهی مختلف، بسیار مورد توجه بوده است و از این ادیان، می‌توان به آیین زرتشت اشاره کرد که از حقوق اولیه انسان‌ها یعنی از حقوق بشر صحبت کرده است (جنیدی، ۱۳۷۸: ص ۳۲). در آیین یهود نیز حضرت موسی علیه السلام خواهان حق تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان بوده است (مورژن، ۱۳۸۰: ص ۲۸). حضرت مسیح علیه السلام نیز از عشق و محبت صحبت کرده و برابری انسان‌ها را خواهان است. آکویناس که می‌دانست کلیسا می‌تواند در برابر عقل قرار گیرد، اندیشه جمع عقل و وحی را ارائه نمود. سیسرو تعیین‌کننده اصلی حقوق بشر را خداوند می‌دانست و معتقد بود که کلیسا باید در راستای عدالت الهی که همانا برابری انسان‌ها بوده است، حرکت کند. گروسیوس نیز به حقوق طبیعی بشر معتقد بود و اظهار می‌کرد که ریشه قواعد حقوقی را باید در ذات و سرشت انسان‌ها جستجو نمود. او به عقل‌مداری در حقوق طبیعی بشر معتقد بود. سیره عملی بزرگان دین، به‌ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام سرشار از معیارهای انسانی، اخلاقی و الهی است و رعایت آن در قرن بیست و یکم در زمان صلح و جنگ، بسیار ارزشمند تلقی می‌شود.

در واقع انبیای الهی حقوق بشر را از غیب دریافت و به بشر ابلاغ می‌کردند. اما برخی از محققان معتقدند که نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر کوروش است (بستگار، ۱۳۸۰: ص ۱۸) که بیش از دو هزار و پانصد سال از آن می‌گذرد و در دورانی بیان شده است که جهان غرق در سیاهی و تیرگی بردگی، نقض حقوق انسان‌ها، نابرابری و بی‌عدالتی‌ها و خشونت قدرتمندان بر ضعیفان بوده است. این اعلامیه که بر سنگ‌نوشته استوانه‌ای حک شده است، در سال ۱۸۷۹ به دست «هرمزد رسام» از اعضای تیم باستان‌شناس انگلیسی، در زمان کاوش‌های باستان‌شناسی شهر «اور» بابل - در جنوب غرب عراق - کشف شد و اکنون در موزه بزرگ بریتیش میوزیوم انگلستان است (همان).

قدمت حقوق بشر به اندازه تاریخ زندگی انسان‌هاست. کتب الهی مسئله حقوق بشر، تمدن بشری، قوانین اساسی و آزادی کرامت ذاتی انسانی را به‌گونه‌ای شایسته ترسیم کرده‌اند. از نظر تاریخی نیز مفاهیم حقوق بشر به دلیل نقش اصلی آن در حیات انسان‌ها، در اعماق وجود بشر قرار دارد و در دوران‌های مختلف تاریخی، بر سنگ‌نوشته‌ها، لوح‌های تاریخی، قوانین، کتاب‌های الهی، کتاب‌های پیشوایان دینی و به‌ویژه در قرآن و نیز قوانین وضع‌شده آمده است. به‌طور کلی مطالعات گسترده‌ای در زمینه حقوق بشر صورت گرفته است؛ اما در پژوهش حاضر به بررسی و مطالعه حقوق بشر در دو دین زرتشت و اسلام که دو دین الهی در زمان‌های مختلف هستند، می‌پردازیم.

مواد و روش

روش این پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای است. همچنین از سایت‌های معتبر علمی و پژوهشی، کتب و منابع معتبر دینی، آیات قرآن، تفاسیر معتبر و مشهور و روایات اسلامی در جهت بررسی و تحلیل موضوع استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

نظری‌نژاد و پرستش (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «حقوق بشر از اسطوره‌های قوم‌مدار تا ادیان انسان‌گرا» مسئله حقوق بشر را مورد بررسی و ارزیابی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که انسان ابتدایی به علت عدم شناخت پدیدارها، به نظام اعتقادی و مناسکی معتقد بود که هدف از رعایت آن، حفظ نظام دنیوی و معیشتی بود. ادیان، با زمانی از زندگی اجتماعی انسان مصادف است که او به درک قانون علیت نایل شد و فهمید که زندگی اقتصادی او تابع اراده خدایان متعدد نیست و اساس و غایت دین، نه اداره دنیا، بلکه انسان‌سازی است. ادیان در اداره جامعه، به حاکمیت عقل قائل شدند.

ذاکریان (۱۳۹۷) در پژوهشی آموزه‌های اسلامی و حقوق بشر را مورد بررسی قرار داد. بر طبق نتایج این پژوهش، برای آشتی مذهب و حقوق بشر باید در تلاش برای دستیابی به دو چیز بود: نخست اولویت دادن



به آموزه‌های مدنی اسلام یعنی ایمان، مبارزه با شرک، رهایی از جهل، دادگری، معاد و راستگویی به عنوان مبانی غیرقابل انحراف. دوم تلاش برای دستیابی اصول بنیادین حقوق بشر و اصولی که در اسلام به طور بنیادین مورد توجه هستند، مانند حمایت از زندگی افراد، حمایت از مالکیت، حمایت از خانواده، حمایت از دین و حمایت از وجدان بشری. دستیابی به این آموزه‌ها و اصول و آشتی آنها با اصول بنیادین حقوق بشر، با جستجو در منابع تاریخی - اسلامی امکان پذیر است.

سلطانمرادی و هابیلی (۱۳۹۰) مسئله حقوق بشر را از دیدگاه نهج البلاغه مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که مکاتب غربی علی‌رغم اینکه به وضع و ترویج اصطلاح حقوق بشر پرداخته‌اند، مبتکر اصلی حقوق بشر نیستند. از این رو پیشینه حقوق بشر را می‌توان در ادیان الهی، به‌ویژه در دین مبین اسلام، جستجو نمود. متون اسلامی به‌روشنی حقوق انسان‌ها را در عرصه‌های مختلف مطرح نموده است. افزون بر اینکه اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر، با حقوق بشر اسلامی تفاوت معنایی دارد که این امر با مقایسه اعلامیه مزبور با قوانین و حقوق اسلامی و منابع فقهی، به‌وضوح قابل درک است.

رستمی‌نسب (۱۳۸۲) در پژوهشی به این نتیجه رسید که در تعلیمات زرتشت، توجه به دنیا، اجتماع و انسان، اهمیت فراوانی دارد. این تعالیم منشأ الهی دارد و می‌تواند سلامت روحی و روانی و سعادت انسان را، در هر دو جهان فراهم نماید (رستمی‌نسب، ۱۳۸۲: ص ۶۳). از مقاله او می‌توان نتیجه گرفت که موضوعاتی مانند خالق، جهان، تربیت انسان، تاریخ، جغرافیا، طبیعت و عناصر آن، مراسم، پیشوایان، احکام و قوانین مربوط به حقوق فردی و اجتماعی، حکومت، فلسفه، بهداشت، زراعت و دامداری، بیشتر مورد توجه زرتشت بوده است.

علیا (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با مطالعه مصادیق اجرای حقوق شهروندی در عصر هخامنشیان، به این نتیجه رسید که در آن زمان قوانینی به نام حقوق شهروندی وجود نداشته است؛ اما در عمل از حکومتی برخوردار بوده‌اند که فرمانروایی بر مبنای رعایت حقوق شهروندی، حفظ کرامت انسانی و ارتقای عدالت اجتماعی را در جهان بنیان گذاشته است. کاتوزیان (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به بررسی رابطه عدالت و حقوق بشر پرداخت. بر طبق نتایج این تحقیق، عدالت گوهری است که هر نظام حقوقی و از جمله حقوق بشر طالب آن است. حقوق بشر تنها نظامی است که به دلیل طبع خود، چهره جهانی دارد و حاکمیت دولت‌ها نیز نمی‌تواند مانع مهمی در راه نفوذ آن به وجود آورد. بر طبق نتایج مردیها (۱۳۸۶)، طبیعت انسان‌ها به‌گونه‌ای است که در شرایط رشد اقتصادی و فرهنگی، خودخواهی خود را به‌گونه‌ای سامان می‌دهند که پاره‌ای حقوق حداقلی برای عموم افراد بشر تضمین شود.

تعریف لغوی و اصطلاحی حق

در لغت برای حق معانی مختلفی ذکر شده است و در علم فقه، حقوق و حتی فلسفه، تعریف‌های

گوناگونی برای آن ارائه شده است. اما در لغت عربی، می‌توان تعاریف را به یک معنا بازگرداند و آن معنا به اعتبار وجه مصدری حق «ثبوت» و به اعتبار وجه وصفی آن «ثابت» است (گرچی، ۱۳۸۱، ص ۲۹). از این رو به هر چیزی که دارای نوعی ثبوت و وجوب است، حق اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۵: جلد ۱۰، ص ۵۰؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: جلد ۱، ص ۳، ۶). منشأ و مبنای حق همواره در میان فلاسفه، دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای بوده و با توجه به تعداد زیاد و تشتت مبانی آن در میان نظام‌های فکری، از تعاریف و دیدگاه‌های متفاوتی برخوردار بوده است. در این نظام‌های فکری، از حق تعاریف یکسانی ارائه نشده است. عده‌ای اصل حق را بر معنای پایداری و هستی (جوادی‌آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲)، ضد باطل و ثابت (قرشی، ۱۴۱۲: جلد ۶، ص ۱۵۹)، تحقق و ثبوت (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰: جلد ۱، ص ۲۰)، منفعت و سود (عباس‌الصراف، ۱۹۸۵م)، موافقت و مطابقت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۲۴۶) و نوعی مالکیت (جمال، ۲۰۰۲م، ص ۳۵) می‌دانند. حق چیزی است که در عالم حاضر، ثابت است و در برابر باطل می‌آید. باطل چیزی است که اساس و بنیاد ندارد، چیزی که اساس و وجود خارجی در عالم واقعیت «ثبوت و نفس الامر» دارد، حق است. آنچه شایسته و بایسته است، حق است. همان‌طور که گفته شده است، «هو حقیق» به معنی شایسته بودن است (الزبیدی، ۱۴۱۴: جلد ۶، ص ۳). حق چیزی است که علم و فلسفه به تنهایی توان دیدن آن را ندارد (حیدری، ۱۳۹۴، ص ۷۳). معنای حق در اسلام بسیار گسترده‌تر از معنای آن در اخلاق و حقوق است؛ زیرا در دین اسلام علاوه بر حق حقوقی و اخلاقی، مصادیق دیگری مانند حق خدا بر انسان هم وجود دارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰، جلد ۱، ص ۲۰). در بینش اسلامی حقوق اساسی انسان‌ها مانند حقوق اجتماعی، اخلاقی و قانونی بشر، تابع حق خداست، ریشه و اصل حقوق را تماماً حق خدا و از خدا می‌دانند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰، جلد ۱، ص ۲۰).

تعریف لغوی و اصطلاحی حقوق بشر

حقوق جمع حق است و شامل اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی می‌شود که به موجب قانون، شرع، عرف و قرارداد برای انسان‌ها لحاظ گردیده است. اصطلاح حقوق، اصول و مقرراتی است که روابط انسان‌ها را با هم در حقوق خصوصی و روابط بین فرمانروایان و فرمانبرداران را در حقوق عمومی و اساسی تنظیم می‌کند. تمامی افراد در حقوق معنوی خود به‌صورت ذاتی آزاد به دنیا آمده‌اند و دارای کرامت و حقوق برابر با یکدیگر هستند. این حقوق سلب‌ناپذیر هستند و متناسب با قواعد حقوقی رایج در جوامع ملی مختلف و بین‌المللی هستند که رضایت حکومت‌شوندگان یعنی افراد صاحب حق در آن لحاظ شده است. تاکنون تعریف درستی از حقوق بشر که مورد پذیرش همه اقوام و ملت‌ها باشد، ارائه نشده است. بسیاری از حقوق‌دانان علت را این می‌دانند که هر دین و فرهنگی به یک دسته از ارزش‌ها و عقاید اهمیت می‌دهد که ممکن است در دین و فرهنگ دیگری، این قبیل ارزش‌ها اهمیتی نداشته باشد. در حقوق بشر آزادی‌هایی وجود دارد که همه انسان‌ها بدون هیچ تبعیضی از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، ثروت، عقیده سیاسی



و یا هر عقیده دیگری به طور مساوی و برابر از آنها بهره‌مند هستند. بر این اصل، افراد بشر دارای حق و تکلیف هستند و حقوق آنها در ارتباط با دیگران معنی می‌یابد. به عبارتی دیگر، حقوق افراد را در زندگی اجتماعی آنها می‌توان جستجو کرد و آنها باید از يك حقوق بشری واحد که دربرگیرنده حقوق ذاتی و طبیعی آنهاست، بهره‌مند گردند. قوانین حقوق بشری قوانینی است که انسان‌ها با به‌کارگیری آن، در زندگی اجتماعی خود به کرامت انسانی می‌رسند. به همین دلیل، حقوق بشر حقوقی بنیادی و انتقال‌ناپذیر و برای بقای بشر ضروری است (هکی، ۱۳۸۹، ص ۲۷-۸). حقوق بشر در معنای اصطلاحی آن، سابقه تاریخی دیرینه‌ای حتی در اندیشه و حقوق غرب ندارد و اثری از آن تا پیش از قرن ۱۲ میلادی، در قوانین اساسی غربی‌ها دیده نمی‌شود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۴، ص ۲۳۷-۲۳۶) و آنچه به نام «اعلامیه حقوق بشر» در جهان معروف است، در متن یک نهضت اجتماعی پس از انقلاب کبیر فرانسه با نام اعلان حقوق بشر منتشر گردید و شامل زنجیره‌ای از اصول کلی بود که در آغاز قانون اساسی فرانسه قید شده است و جزء جدانشدنی قانون اساسی فرانسه به شمار می‌رفت و در دهم دسامبر ۱۹۴۸ با عنوان «اعلامیه جهانی حقوق بشر» در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد. مهم‌ترین هدف این اعلامیه شناسایی ذاتی همه انسان‌ها و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان بر مبنای آزادی، عدالت و صلح بوده است. حقوق بشر یعنی اینکه جان و مال آدمی آزاد باشد و او بتواند با زبان و قلم، با دیگران به راحتی سخن بگوید. حقوق بشر یعنی اینکه نتوان کسی را بدون حضور یک هیئت منصفه متشکل از افراد مستقل و آگاه، به مجازات محکوم کرد. یعنی آنکه مجازات کیفری بر حسب مقررات قانونی صورت گیرد. یعنی اینکه انسان‌ها بتوانند با آرامش خاطر به هر دینی که خود می‌خواهند، متدین شوند (موحد، ۱۳۸۱، ص ۲۴۶).

به‌طورکلی تعریف واحدی از حقوق بشر ارائه و توافقی در این مورد نشده است و این مفهوم بارها بازتعریف شده و در هر دوره، مکتب و صاحب‌نظری خاص، از منظر خود این موضوع را نگریسته و چارچوب آن را تبیین کرده است. به بیان کلی، «حقوق بشر» حقوق بنیادین و انتقال‌ناپذیر است و برای حیات نوع بشر، اساسی دانسته می‌شود؛ یعنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارها می‌باشد و موضوعشان حمایت از مقام و کرامت انسانی است (ذاکریان، ۱۳۹۲، ص ۱۲). حقوق بشر مجموعه‌ای از حقوقی است که به سکنه یک کشور اعم از بیگانه و تبعه، در مقابل دولت داده می‌شود (جعفری لنگروی، ۱۳۶۹: جلد ۲، ص ۲۳۱). حقوق بشر از دیدگاه اسلام، مجموعه‌ای از اصول برخاسته از فطرت انسان است که با دو ویژگی در زندگی او ظاهر می‌شود: ۱. نیازهای درونی ذاتی؛ ۲. استعداد بیکران رشد و تعالی. این تعریف کامل‌ترین تعریف حقوق بشر است؛ زیرا نیازهای فطری و ذاتی و خواسته‌های اولیه انسانی را در نظر می‌گیرد.

بررسی حقوق بشر در دین زرتشت و منشور حقوق بشر کوروش کبیر

ایران باستان اهمیت بسزایی در شکل‌گیری تمدن و بسیاری از مظاهر مادی و معنوی فرهنگ و حقوق



بشری دارد. یکی از آیین‌هایی که در این دوره در حیات فرهنگی - اجتماعی انسان‌ها تأثیرگذار و بانفوذ بوده، دینی است که این پیغمبر ایرانی تعلیم فرمود؛ آیین زرتشت که «زرتشت» پیام‌آور آن است. طبق شواهد تاریخی به نظر می‌رسد که زرتشت در آذربایجان و نزدیک دریاچه ارومیه به دنیا آمده است. عده‌ای از تاریخ‌دانان زمان ولادت او را در حدود ۶۶۰ سال پیش از میلاد مسیح بیان کرده‌اند و عده‌ای از آنان، با توجه به مطالب اوستا و نیز گفته‌ها و اشاره‌های دانشمندان، زرتشت را به نام نخستین قانون‌گذار و اولین مربی روحانی بشر یاد می‌کنند و عصر زرتشت را در حدود ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد می‌دانند (بویس، ۱۳۷۶: ص ۱۷). در زمانی از تاریخ که احتمالاً اوایل هزاره اول قبل از میلاد باشد، یعنی چند قرن پیش از تشکیل حکومت هخامنشیان، در نقطه‌ای از مشرق ایران زمین، زرتشت ظهور کرد و ایرانیان را به دین خود فراخواند. زندگی زرتشت در شش هزار سال تاریخ نامکتوب، ناشناخته مانده است و معلوم نیست که او در آغاز عصر تاریخی می‌زیسته است یا در عصر تاریخی - اساطیری و یا دورتر از این دو، هم عصر ارمیای نبی، بودا و کنفوسیوس بوده یا او را باید پیشاهنگ همه پیامبران دانست (رجبی، ۱۳۸۰: جلد ۲، ص ۱۵۴). از زمانی که پژوهش درباره زرتشت و زرتشتی‌گری شروع شد، بیش از دویست سال نمی‌گذرد؛ اما علمای تاریخ ادیان و مذاهب، زرتشت را یکی از بزرگ‌ترین اصلاح‌کنندگان بشریت می‌دانند؛ زیرا زرتشت در مذهب قدیمی پدران و نیاکان خود اصلاحاتی پدید آورد و از آن زمان تا عصر حاضر، هنوز پیروانی دارد.

زرتشت اندیشه و عقل انسان را در همه امور، معیار اصلی سنجش و تشخیص می‌داند. «تنها دانایان و خرمندان هستند که به یاری اندیشه رسا و خرد والای خود، «قانون راستی» را به‌درستی درمی‌یابند و با هماهنگ ساختن اندیشه و گفتار و کردار خود با «راستی» و آگاه کردن دیگران، بشریت را به خوشبختی حقیقی می‌رسانند. آن خوشبختی که با پیروی از راستی به دست می‌آید و به هر دو گروه دانایان و نادانان نوید داده شده است، کدام است».

«ای خداوند خرد، در پرتو فروغ مینوی خود، مرا آگاه ساز که در مورد دانایان چه فرمان رفته است؟»
 «حقیقت را بر من آشکار ساز تا همه مردم را به آیین دانش‌پروری و خردورزی بگروانم» (گاتاها، یسنای ۳۱، بند ۳).

در آیین زرتشت، اندیشه و عقل انسان ارزش والایی دارد. پس هر انسانی باید آزاد باشد تا بتواند راه‌های گوناگون را با خرد نیک و اندیشه روشن خویش بسنجد و آزادانه تصمیم بگیرد:
 «به بهترین سخنان گوش فرا دهید و آن را با اندیشه روشن بسنجید، آن‌گاه هرکس راه خود را آزادانه برگزیند».

«پیش از آنکه رویداد بزرگ فرا رسد، هریک به‌درستی بیدار شوید».
 «آن‌گاه، هرکس - پیرو راستی یا پیرو دروغ، دانا یا نادان - باید بتواند باور خود را آزادانه آشکار کند».

«هرگاه تردیدی پیش آید "اندیشه رسا" راهنمای انسان است» (همان).

در دین زرتشت انسان قوه اختیار دارد و آزاد آفریده شده است، آزاد است که چگونه بیندیشد و انتخاب کند. زرتشت انتخاب دین را نیز برای هر انسان آزاد می‌داند و این آزادی، او را در برابر چگونگی اندیشه‌اش و نوع انتخابش مسئول می‌گرداند.

«دریافتم که اندیشه رسا از توس، خرد جهان‌آفرین از توس، و ای خداوند جان و خرد، این نیز از توس که انسان را راه نمود و آزاد گذاشت که اگر بخواهد به راستی گراید یا دروغ را برگزیند» (همان: بند ۹). زرتشت انسان را مسئول سرنوشت خودش می‌داند: «ای خداوند خرد! در پرتو کارهایی که از اندیشه نیک سرچشمه می‌گیرند، ستایش‌کنان به سوی تو باز خواهیم گشت! با آگاهی به اینکه اراده‌ام بر سرنوشتم فرمان می‌راند، با شوق در پی دریافت "دانش نیک" هستم» (همان، یسنای ۵۰، بند ۹۰).

«ای خداوند خرد! هنگامی که در آغاز، از منش خویش، زندگانی و وجدان و خرد را آفریدی، آن‌گاه که توانایی کار کردن و سخن گفتن بخشیدی، خواستی تا هرکس آزادانه دین خود را برگزیند» (همان، یسنای ۳۶، بند ۱۱). زرتشت اهل تهاجم و خون‌ریزی نبوده است و بر طبق اصول دین زرتشت، پیامبران راستین باید با محبت و مهربانی، یگانگی و دوستی را در بین همه افراد بشر ایجاد کنند: «او (پیامبر) نباید دین‌داران را در برابر گمراهان به جنگ و ستیز وادارد» (همان، یسنای ۲۹، بند ۳).

بیش از پنج قرن قبل از میلاد حضرت مسیح علیه السلام، کوروش فرمانروای بزرگ هخامنشیان و پایه‌گذار امپراتوری ایران، منشوری را تنظیم کرد که در آن آزادی مذاهب، آزادی ملل بیگانه و سایر حقوق اساسی بشری، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. منشور کوروش قدیمی‌ترین سند تاریخی کشف‌شده در زمینه حقوق بشر و انسانیت است. گستردگی تلاش کوروش به‌گونه‌ای بود که اگر به طبقات جامعه ایران باستان بنگریم، برخلاف ساختار جامعه یونان، در کنار طبقاتی مانند کشاورزان، روحانیان، ارتشیان، پیشه‌وران و مرزداران، طبقه‌ای با نام بردگان نمی‌بینیم (ذاکریان، ۱۳۹۲، ص ۱۵). منشور حقوق بشر مخصوص ایران نبود؛ بلکه شامل سایر ملل از جمله مردم مناطق بین‌النهرین، دجله و نیز قوم یهود می‌شد و آنها را از اسارت و بیگاری حاکمان جابر آن زمان، از جمله بخت‌النصر آزاد می‌ساخت (متواضع، ۱۳۹۲، ص ۵۰).

استوانه‌ای که از کوروش بزرگ پس از فتح بابل برجا مانده است، از درخشان‌ترین صفحات تاریخ بشری است. این استوانه بیانگر روحیه بشردوستانه و مداراگرانه ایرانیان در بیش از ۲۵۰۰ سال پیش است و به‌عنوان نخستین بیانیه حقوق بشر تاریخ جهان در سال ۱۹۷۱ میلادی از سوی سازمان ملل به همه زبان‌های مورد پذیرش این سازمان ترجمه شد. در سال ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۸۷۹م) به دنبال کاوش‌های گروه انگلیسی در شهر باستانی بابل، استوانه‌ای از گل پخته به دست باستان‌شناسی کلدانی به نام هرمز رسام کشف شد. این استوانه را نوشته‌هایی به خط و زبان بابلی نو فراگرفته بود. پس از ترجمه مشخص شد که این استوانه به فرمان





- کوروش هخامنشی در سال ۵۳۸ ق.م و هنگام تسخیر بابل نوشته شده است. با ترجمه نوشته‌های این استوانه، موجی از شگفتی در میان گروه‌های فعال حقوق بشر به وجود آمد و این نوشته به عنوان اولین بیانیه حقوق بشر تاریخ بشری، شهرت جهانی یافت. در زیر، تعدادی از بندهای حقوق بشر کوروش بر استوانه بیان می‌گردد:
- ارتش بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.
 - وضع داخل بابل و جایگاه‌های مقدسش قلب مرا تکان داد... من برای صلح کوشیدم. نبونید مردم درمانده بابل را به بردگی کشیده بود؛ کاری که در خور شأن آنان نبود.
 - من برده‌داری را برانداختم. به بدبختی‌های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند.
 - فرمان دادم که هیچ کس مردم شهر را نیازارد و به دارایی آنان دست‌درازی نکند. مردوک از کردار نیک من خشنود شد.
 - من شهرهای آگاده، اشنوا، زمبان، متورنو، دیر، سرزمین گوتیان و همچنین شهرهای آن سوی دجله را که ویران شده بود، از نو ساختم.
 - فرمان دادم تمام نیایشگاه‌هایی را که بسته شده بود، بگشایند. همه خدایان این نیایشگاه‌ها را به جاهای خود بازگرداندم. همه مردمانی را که پراکنده و آواره شده بودند، به جایگاه‌های خود برگرداندم و خانه‌های ویران آنان را آباد کردم.
 - بی‌گمان در روزهای سازندگی، همگی مردم بابل، پادشاه را گرامی می‌داشتند و من برای همه مردم، جامعه‌ای آرام مهیا ساختم و صلح و آرامش را به تمامی مردم اعطا کردم.

بررسی مسئله حقوق بشر در دین اسلام

فرهنگ و تمدن پربار اسلام و منبع بارزش آن، قرآن کریم به همه نیازهای بشری، هم در امور دنیوی و هم در امور معنوی و اخروی می‌پردازد. اسلام جایگاه والایی در جهان دارد. بسیاری از ظلم و ستم‌ها، بی‌عدالتی‌ها و رفتارهای ناشایست، از عدم شناخت و ناآگاهی به حقوق همدیگر و عدم پایبندی به حق دیگران به وجود می‌آید. بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر اسلام ﷺ، از وجود یک انقلاب سیاسی و ارزشی در زمینه مسائل حقوق بشری خبر می‌دهد. آیات مختلفی از قرآن، بر کرامت، مساوی بودن انسان‌ها - زن و مرد و سیاه و سفید - و سایر حقوق بشر تأکید دارد و پیامبر اسلام - به عنوان شخصیت برتر الهی و مقام رسمی دین اسلام - برای همه انسان‌ها احترام قائل بود. پیامبر اسلام ﷺ به زنان شخصیت می‌داد و اعمال جاهلیت را در زمینه‌های تحقیر، تبعیض و ستم در مورد انسان‌های ناتوان و محروم نکوهش می‌نمود و این در تاریخ بشریت بی‌نظیر است. زمانی که پیامبر در برابر جنازه یک یهودی از جا بلند می‌شود و یا با قبول پیوستن یهودیان و مسیحیان متحد به جامعه اسلامی، وحدت بشری را پایه‌ریزی می‌کند و یا زمانی که زنده‌به‌گور

کردن دختران را که یکی از زشت‌ترین صورت‌های تحقیر بشر است، تقبیح می‌کند و یاران خود را به آزادی و اظهارنظر حتی در برابر نقطه‌نظرات خود تشویق می‌کند و نشستن ساده و بدون نشانه در حلقه یاران را بر تکیه بر مقام و قدرت ترجیح می‌دهد، تصویری از تعالی حقوق بشر را در تاریخ پر از ظلم و ستم ترسیم می‌کند. یاران پیامبر اسلام ﷺ که تربیت‌شده این مکتب بودند، هرکدام الگویی از این تصویر بودند و امام علی علیه السلام در این میان، بیش از هر شخصیت دیگری سختگیر و روشنگر بود. گرچه موضوع «حقوق بشر» متعدد و متنوع است، اما بهترین شیوه بررسی موضوعات حقوق بشر در جامعه شیعی از دیدگاه امام علی علیه السلام است. در اندیشه حضرت علی علیه السلام حق آموختنی است و تا زمانی که مردم حرمت و جایگاه خود را نیابند و حقوق مداری را آموزش نبینند و بر مبنای آن زندگی نکنند، نظام‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و حکومتی، به طور صحیح مدیریت نمی‌شوند و رعایت، درخواست‌ها و ادای حقوق به‌طور کلی معنا نمی‌یابد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵). امام علی علیه السلام به دلیل ویژگی‌های خاصشان در جهان هستی و به‌عنوان يك حقوق‌دان بزرگ، و معلم اخلاق، انسانیت و عرفان، عالم وحی و انسان‌شناسی، مفسر قرآن، ولی جامعه اسلامی، اصول حقوق بشر را به‌گونه‌ای مطرح کرده‌اند که حتی می‌تواند الگوی مناسبی برای مدیریت نظام‌های سیاسی حال حاضر نیز باشد.

اولین حقی که قرآن برای انسان‌ها در نظر می‌گیرد، حق حیات است. حیات، خود شامل دو نوع است: حیات مادی و حیات معنوی. هیچ‌کس اجازه ندارد مانع حق حیات مادی یا معنوی دیگری شود. سلب حق حیات مادی با قتل به وجود می‌آید. از دیدگاه قرآن کریم، این کار برابر با نابودسازی جامعه است؛ مگر اینکه با دلیل صحیحی اتفاق بیفتد که در قانون تعیین گردیده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵). حضرت علی علیه السلام هم در نوشتار و هم در گفتار و سیره رفتاری و عملی اهمیت خاصی برای حق حیات در نظر می‌گرفتند. حضرت علی علیه السلام در حکومت اسلامی این حق را به‌گونه‌ای مدیریت‌شده و منظم در نظام حقوق اسلامی و احکام مبتنی بر آن اجرا نمود و آثار وضعی و اجتماعی توجه نکردن به حق حیات افراد را متذکر می‌شد. حضرت علی علیه السلام در احترام به حق حیات انسان‌ها کشتن افراد بی‌گناه را شدیداً تقبیح می‌نمود. ایشان در این باره به مالک اشتر فرمودند: از خون‌ها و ریختن خون بدون مجوز قانونی خودداری کنید که این عمل موجب منقرض شدن دولت می‌شود. بنابراین، هرگز سلطه و اقتدار خود را با ریختن خون حرام تقویت مکن؛ زیرا این اقدام موجب کاهش اقتدار و انتقال قدرت به دیگری می‌گردد (نهج البلاغه، خطبه، ۵۳).

اصل آزادی در تاریخ به‌عنوان یکی از مفاهیم چالش‌برانگیز، همیشه دغدغه فکری اندیشمندان و متفکران بوده است. در حکومت اسلامی شیعی، حاکم برای بهره‌مندی افراد مختلف جامعه از آزادی، این حق الهی زیربنای فرهنگی و بستر لازم را بر اساس قوانین الهی، دینی، عقلانی و حقوقی فراهم می‌کند. امام علی علیه السلام برای تحقق یافتن این هدف و همچنین برای جلوگیری از سوءاستفاده از این مفهوم انتزاعی، آن را در مدیریت



خود اجرا می نمود. علی علیه السلام، آزادی را ابزار حفاظت کننده از کرامت انسانی می دانند و می فرمایند: «در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است، بنده دیگری مباش» (همان، خطبه ۳۱). از دیدگاه حضرت علی علیه السلام آزادی را در دین اسلام بسیار برتر از یک مسئله سیاسی می داند و از نظر ایشان يك موضوع اسلامی و انسانی است. در حکومت اسلامی شیعی علاوه بر افراد معمولی يك جامعه، دولت ها در رعایت تعهدات خود در بهره گیری از حق آزادی نیازمند به سعه صدر هستند. امام علی علیه السلام به عنوان الگوی کامل اجرای حقوق انسان ها، در دوره حکومتی خود، به افراد مخالف با حکومت اجازه می دادند تا در مجالس عمومی در کمال آزادی سخنان خود را بیان کنند. ایشان بر تحقق این اصول در جامعه تأکید می نمودند و اجرای آن را در چارچوب قوانین، موجب حفظ کرامت انسانی و اصلاح جامعه می دانستند.

در حکومت اسلامی شیعی، برابری به عنوان يك اصل حقوق بشری، به همه انسان هایی مربوط است که در جامعه اسلامی زندگی می کنند. برابری در اصطلاح سیاسی خود به معنای رهایی افراد از استثمار و بهره کشی و حق برابر آنها در استفاده از نعمت های مادی، معنوی و الهی جامعه مطابق با کار انجام شده آنهاست. هیچ کس بیش از دیگری حق دخالت در اداره امور کشور را به خود اختصاص نمی دهد؛ مگر آنکه حق نمایندگی از مردم داشته باشد. به عبارتی، تمام مردمی که از امکانات مساوی جامعه استفاده می کنند، دارای حقوق برابر هستند؛ اعم از سیاه، سفید، ثروتمند و فقیر مشمول يك قانون هستند و امتیازی جز نیروی درك، فهم، لیاقت و دانش در میان آنها وجود ندارد.

در حکومت شیعی، امام علی علیه السلام در مباحث تئوری و در مرحله عمل به قوانین، مظهر عدالت به شمار می آید و برای تحقق این حق بشری در زمان خود به «شهید عدالت» معروف شد. از نظر ایشان همه افراد جامعه در برابر قانون بدون تبعیض و چشم پوشی، برابرند (همان، خطبه، ۱۲۷). عدالت در سخنان امام علی علیه السلام به صورت قرار دادن هر چیز در جای خود است و رعایت استحقاق هر چیزی و رساندن هر ذی حقی به حقش می باشد. امام علی علیه السلام با جدیت تمام در جامعه تبعیض آمیز و نژادپرست آن زمان که نابرابری چهره دینی و قانونی داشت و مردم به آن عادت کرده بودند، سیره نبوی را بار دیگر بر جامعه حاکم ساخت. ایشان در تقسیم اموال بیت المال حتی برای برادرشان برتری قائل نمی شدند. از نظر ایشان «در دست کارگزار، مال خداوند عزوجل است و حاکم امانت دار آن است» (همان، خطبه، ۵). بدین ترتیب، در زمان حکومت آن حضرت رعایت برابری توسط حاکمان و کارگزاران نسبت به مردم به عنوان يك اصل به شمار می رفت و ایشان بر اجرای این اصل همواره نظارت و تأکید داشتند (همان، خطبه ۵۳).

آیات قرآن کریم در زمینه حقوق بشر

امروزه از منظر اسلام و قرآن، دین اسلام شایسته ترین دین برای تبیین حقوق بشر است (جعفری، ۱۳۷۰: جلد ۲، ص ۵۰).

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ (نساء: ۱۲۵)؛ و دین و آیین چه کسی بهتر از آن کس است که خود را تسلیم خدا کرده، درحالی که نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق گرا پیروی کرده است؟ و خداوند، ابراهیم را به دوستی خود برگزید.

﴿قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (انعام: ۱۶۱)؛ بگو: محققا مرا خدایم به راه راست هدایت کرده؛ به دینی استوار؛ همان آیین پاک ابراهیم که وجودش از لوث شرک و عقاید باطل مشرکین منزّه بود.

﴿وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (بقره: ۱۳۵)؛ یهود و نصاری گفتند که به آیین ما درآید تا راه راست یافته و طریق حق پویید. (ای پیغمبر در جواب آنها) بگو: بلکه ما آیین ابراهیم را پیروی می کنیم که به راه راست توحید بود و از مشرکان نبود.

تلاش حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام در برابر حاکم آن زمان نمرو، با هدف نجات و آزادی مردم از قید ظلم و بندگی بود.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُعْبَى وَيَمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيَى وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۲۵۸)؛ آیا ندیدی که پادشاه زمان ابراهیم به دلیل حکومتی که خدا به او داده بود، درباره (یکتایی) خدا با ابراهیم به جدل برخاست؟ چون ابراهیم گفت: خدای من آن است که زنده گرداند و بمیراند، او گفت: من نیز زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: خداوند خورشید را از طرف مشرق برآورد، تو اگر توانی از مغرب بیرون آور؛ آن نادان کافر در جواب عاجز ماند و خدا راهنمای ستمکاران نخواهد بود.

موسی بن عمران علیه السلام در زمان و مکانی به پیامبری مبعوث شد که فرعون علاوه بر ادعای خدایی، ملت را به دو دسته ممتاز و مستضعف تقسیم کرده بود

﴿إِنْ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَذِخُّ أبنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص: ۴)؛ همانا فرعون [در سرزمین مصر] برتری جویی و سرکشی کرد و مردمش را گروه گروه ساخت؛ درحالی که گروهی از آنان را ناتوان و زیون گرفت، پسرانشان را سر می برید، و زنانشان را [برای بیگاری گرفتن] زنده می گذاشت؛ بی تردید او از مفسدان بود.

حضرت عیسی مسیح علیه السلام در مقابل انحرافات دینی و مذهبی روحانیون یهودی قیام کرد و پیام صلح، مهربانی و دوستی با همه انسان ها را بیان کرد:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَصْلُوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ * لِعَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ



ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۷۷﴾ (مانده: ۷۷-۷۸)؛ بگو: ای اهل کتاب! به ناحق در دینتان غلو نکنید، و از امیال و هوس‌های گروهی که یقیناً پیش از این گمراه شدند و بسیاری را گمراه کردند و از راه راست دور شدند، پیروی نکنید. از بنی اسرائیل آنان که کافر شدند، به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند. لعنت شدنشان برای این بود که [نسبت به فرمان‌های خدا و انبیا] سرپیچی داشتند و همواره [از حدود الهی] تجاوز می‌کردند.

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَذُبُّونَ آبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ * وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ * وَقَالَ مُوسَى إِنَّ تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِي حَمِيدٌ * أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ * قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ﴾ (ابراهیم: ۶-۱۰)؛ و [یاد کن] زمانی را که موسی به قومش گفت: نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید، آن گاه که شما را از [چنگال] فرعونیان رهایی بخشید، [همانان] که پیوسته شما را شکنجه سخت می‌دادند، و پسران را سر می‌بریدند، و زنان را [برای بیگاری] زنده می‌گذاشتند، و در این [حوادث] آزمایش بزرگی از سوی پروردگارتان بود (۶) و [نیز یاد کنید] هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما می‌افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی‌تردید عذابم سخت است، (۷) و موسی [به بنی اسرائیل] گفت: اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید [زیانی به خدا نمی‌رسد]؛ زیرا خدا بی‌نیاز و ستوده است. (۸) آیا خبر [پندآموز] کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسیده؟ [خبر] قوم نوح و عاد و ثمود و آنان که پس از ایشان بودند که جز خدا از آنان آگاه نیست، [همه آنان اقوامی بودند که] پیامبران را برای آنان دلایل روشن آوردند، ولی آنان دست‌هایشان را [به‌عنوان اعتراض، استهزا، تحقیر کردن و پاسخ ندادن به دعوت پیامبران] در دهان‌هایشان بردند و گفتند: مسلماً ما به آن رسالتی که شما به آن فرستاده شده‌اید، کافریم و به آنچه ما را به آن دعوت می‌کنید، به شدت در شک و تردیدیم!! (۹) پیامبران را همه گناهانتان را بیامرز، و شما را تا زمان معین [عمرتان] مهلت می‌دهد. پاسخ دادند: شما بشرهایی مانند ما هستید که می‌خواهید ما را از معبودهایی که پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید؛ پس [شما] دلیل روشنی [بر اثبات رسالت خود که مورد پسند ما باشد] بیاورید (۱۰).

پیامبر اسلام محمد بن عبدالله ﷺ در برابر مستکبران، ظالمان و اعراب جاهل آن زمان قیام کرد. تعلیمات ایشان مشحون از برابری انسان‌ها، لغو اختلافات طبقاتی و افتخارات زمان جاهلیت و اجرای عدالت و احقاق

حق مستضعفان بود:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (سبا: ۲۸)؛ و ما تو را جز برای اینکه عموم بشر را (به رحمت خدا) بشارت دهی و (از عذابش) بترسانی نفرستادیم؛ لیکن اکثر مردم (از این حقیقت) آگاه نیستند.

شکی نیست که مفاهیم عالی انسانی مانند کرامت، شخصیت انسانی، آزادی و برابری، ریشه در تعالیم پیامبران الهی دارد و ادیان الهی کمک بزرگی به پیشرفت حقوق بشر کرده‌اند (قرشی، ۱۴۱۲ق: جلد ۶، ص ۱۷۰). مفاهیم اصلی حقوق بشر، «آزادی، برابری و برادری» در حدود ۲۰۰ سال قبل در انقلاب فرانسه مطرح شد و در حال حاضر به عنوان یک سند پرافتخار غرب به شمار می‌آید. این در حالی است که اصول اسلامی حقوق بشر حدود ۱۴۰۰ سال پیش از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح شده بود. آیاتی از قرآن کریم درباره حقوق بشر در زیر بیان شده است: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۵۶)؛ کار دین به اجبار نیست، حقیقت راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردیده، پس هرکه از راه کفر و سرکشی دیو رهن بر گردد و به راه ایمان به خدا گراید، بی گمان به رشته محکم و استواری چنگ زده که هرگز نخواهد گسست، و خداوند (به هرچه خلق گویند و کنند) شنوا و داناست.

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (اعراف: ۱۵۷)؛ هم آنان که پیروی کنند از آن رسول (ختمی) و پیغمبر اُمی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشان و اوصاف) او را نگاشته می‌یابند که آنها را امر به هر نیکویی و نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال، و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند، و احکام پررنج و مشقتی را که چون زنجیر به گردن خود نهاده‌اند، از آنان برمی‌دارد (و دین آسان و موافق فطرت بر خلق می‌آورد). پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه‌داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند، آن گروه به حقیقت رستگاران عالم‌اند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم! ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن‌گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و بافتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمايند، همانا خدا كاملا دانا و آگاه است.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات: ۱۰)؛ فقط مؤمنان برادران یکدیگرند.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵)؛ خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجت عصر علیه السلام) ایمان آرند و نیکوکار گردند، وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافتشان دهد؛ چنان که امم صالح پیمبران سلف را جانشین پیشینان آنها نمود، و دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش کنند، و بعد از آن هرکه کافر شود، پس آنان به حقیقت همان فاسقان تبه‌کارند.

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ﴾ (انعام: ۱۱۹)؛ چرا از آنچه نام خدا بر آن ذکر شده نمی‌خورید (و بر خود حرام می‌کنید)؟ در صورتی که آنچه خدا بر شما حرام کرده، به تفصیل بیان نموده؛ جز آنچه به آن ناگزیر می‌شوید که باز حلال است، و بسیاری از مردم به هوای نفس خود از روی جهل (دیگران را) به گمراهی کشند. همانا خدا به تجاوزکنندگان (از حدود) داناتر است.

حضرت علی علیه السلام با به اجرا در آوردن احکام الهی و اجرای حقوق بشر در زمان حکومت خود، چهره اسلام واقعی را به جهانیان نشان داد. بیان این موضوعات در قرآن کریم و در آن زمان با آن حجم از فشارهای روانی و فرهنگ غلط جامعه بسیار شگفت‌انگیز و حیرت‌آور است؛ احکام و قوانینی که با گذشت سال‌ها هنوز بوی تازگی و تمدن می‌دهد. بنابراین، ریشه پیشرفت حقوق بشر در عصر کنونی به کتاب آسمانی و تعالیم آن از طریق پیامبر و جانشینان صالح آن حضرت بازمی‌گردد.

نتیجه‌گیری

ادیان الهی را نخست با پذیرش اصول عالی اخلاقی که طبق آن انسان بما هو انسان دارای کرامت ذاتی قلمداد می‌شود (موجد، ۱۳۸۱: ۴۶۳-۴۶۵) و دوم با پذیرش جایگاه عقل در بسیاری از حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و... که وضع قوانینی مطابق با عقل را امکان‌پذیر می‌کند، می‌توان حامی حقوق بشر دانست. قرآن و نیز کتاب منحصر به فرد حضرت علی علیه السلام «نهج البلاغه» در زمینه حقوق بشر، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند و پیروان این دو برای اجرای اصول، قواعد و ارزش‌های آن بسیار تلاش می‌کنند. اصول حقوق بشری در قرآن تنها مربوط به مسلمانان نیست؛ بلکه دارای رویکرد جهانی است و مربوط به همه افراد بشری است. از آنجا که فرمان‌های الهی برای آگاهی‌بخشی و تنظیم قوانین حقوق بشری، با گذشت زمان بر پیامبران الهی نازل می‌شد، قرآن به عنوان آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی دارای جایگاه ویژه‌ای است.

حقوق بشر، آرمان جهانی عدالت در جامعه را منعکس می‌کند که در آن، هر انسانی بتواند از زندگی شرافتمندانه و با صلح، امنیت، آرامش و رفاه برخوردار گردد. دفاع از حقوق بشر، در واقع فارغ از حیثیت انسانی است و مهم‌ترین هدفی است که در بحث‌های حقوق بشر نهفته است. بدان معناست که هرکس که در این جهان زندگی می‌کند، حق داشتن یک زندگی آزاد و بدون تبعیض را دارد. حق، به‌ویژه در کشورهای شرقی و کشورهای اسلامی، با دین پیوند دارد. حقوقی که در اعلامیه جهانی برای بشر بیان شده، از آن جهت که جهانی است، می‌تواند با دین اسلام نیز همسویی‌هایی داشته باشد. در کشورهای اسلامی حق یک امر دینی و شرعی پنداشته می‌شود. حق و حقوق از آن جهت که دینی است، از جمله امور مقدس و متعالی نیز هست. تعیین حقوق از نظر اسلام، از وظایف صاحب شریعت است و در قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حقوق انسانی به صورت مشروح بیان شده است (شعرانی، ۱۳۹۸ق، ص ۴۹). پس طرف و عهده‌دار حقوق بشر فقط قرآن کریم است که اساس وحی است و جوامع روایی شامل نهج البلاغه، صحیفه سجاده، بحارالانوار، الکافی و دیگر اصول و نوشته‌های اسلامی، همه از شئون و شعوب قرآن هستند و به یک معنی قرآن منتزاند (حسن‌زاده‌آملی، ۱۳۶۹: جلد ۱، ص ۲۵). حقوق انسان‌ها باید ماوراءالطبیعی و الهی باشد و این کار به واسطه ارسال شریعت‌های مختلف صورت گرفته است و متن اصلی همه این شرایع، دین ابراهیمی است که قرآن به آن فراخوانده و سزاوارترین افراد و شرایع به دین ابراهیمی که دین حنیف اسلام است، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیروان او هستند. اگرچه منشور کوروش کبیر، سنگ‌نوشته‌ها، کنوانسیون‌ها و شورای حقوق بشر در زمینه حقوق انسان‌ها و از بین بردن نژادپرستی و تبعیض‌ها مطرح شده‌اند، اما مهم‌ترین آنها تعالیم ادیان الهی و کتاب‌های آسمانی به انسان‌هاست. امروزه از منظر اسلام و قرآن کریم، دین اسلام به عنوان شایسته‌ترین دین برای تبیین حقوق بشر شناخته شده است. دین اسلام به عنوان ترویج‌دهنده حقیقی در حقوق انسان‌ها به شمار می‌آید.

در گذر تاریخ بحث‌های حقوق بشری، ادیان الهی همواره در برابر ستمگران و قدرتمندان غاصب و ناقض حقوق بشر ظهور کرده‌اند و در بعد تعلیمات اجتماعی هم برای برقراری عدالت و برابری حقوق انسان‌ها و رفع تبعیضات نژادی و امتیازات طبقاتی کوشش بسیار نموده‌اند.



فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. الزبیدی، محب الدین ابی فیض السید محمد مرتضی الحسنی الواسطی (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*، جلد ۶، بیروت، دارالفکر. ۴۹۲ صفحه.
۲. ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴). *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر. ۸۰۷ صفحه.
۳. بسته‌نگار، محمد (۱۳۸۰). *حقوق بشر از منظر اندیشمندان*، تهران، شرکت سهامی انتشار. ۸۰۸ صفحه.
۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰ ش). *حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب*، تهران، دفتر خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران. ۴۲۶ صفحه.
۵. جعفری، علی اکبر (۱۳۹۴). *حقوق بشر در حکومت شیعی پیشگام حقوق بشر بین‌الملل*. جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ۶. شماره ۱. صفحات ۱۷-۱.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۹). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. گنج دانش. ج ۲. ۸۶۸ صفحه.
۷. جنیدی، فریدون (۱۳۷۸). *حقوق بشر در جهان امروز و حقوق بشر در ایران باستان*، تهران، انتشارات بلخ. ۲۶۴ صفحه.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *فلسفه حقوق بشر: سلسله بحث‌های فلسفه دین*، قم، مرکز نشر اسراء. ۲۷۱ صفحه.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). *فلسفه حقوق بشر*، تهران، انتشارات اسرار. ۲۷۲ صفحه.
۱۰. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۶۹). *انسان و قرآن*، تهران، الزهرا. جلد ۱، ۲۶۱ صفحه.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۹). *تفسیر موضوعی نهج البلاغه*، قم، دفتر نشر معارف. ۲۰۸ صفحه.
۱۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۴). *درآمدی بر حقوق اسلامی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی. ۴۴۸ صفحه.
۱۳. ذاکریان، مهدی (۱۳۹۲). *همه حقوق بشر برای همه*، تهران، نشر نی. ۱۶۰ صفحه.
۱۴. ذاکریان، مهدی. (۱۳۹۵). «تأمل و نقدی بر مطالعات حقوق بشر»، فصلنامه *مطالعات بین‌المللی (ISJ)*. سال دوره ۱۲ شماره ۴. ص ۱-۱۱.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات الفاظ القرآن*، لبنان، دارالعلم-الدارالشامیه. ۸۸۰ صفحه.
۱۶. رجبی، پرویز (۱۳۸۰). «اهورامزدا و زرتشت». *نامه انجمن*، ج ۲، ص ۱۰۰-۱۲۵.
۱۷. رستمی‌نسب، عباسعلی. (۱۳۸۲). «زرتشت و تربیت»، *مجله مطالعات ایرانی*، مرکز تحقیقات فرهنگی و زبان‌های ایرانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره چهارم. صفحات ۷۴-۶۱.



۱۸. سلطان مرادی، محمد؛ هابیلی، مریم (۱۳۹۰). «حقوق بشر در نهج البلاغه»، فصلنامه *مطالعات تفسیری*. سال ۲، شماره ۵. صفحات ۹-۴۴.
۱۹. شعرانی، ابوالحسن (۱۲۹۸ق). *دائرة المعارف لغات قرآن مجید*، قم، نشر طوبی، اسلامیة. ۹۸۲ صفحه.
۲۰. بویس، مری (۱۳۷۶). *تاریخ کیش زرتشت*، مترجم همایون صنعتی زاده. تهران، انتشارات دانشگاه تهران. جلد ۲. ۴۰۰ صفحه.
۲۱. عباس الصراف، جورج حزبون (۱۹۸۵م). *المدخل الى علم القانون*، عمان، نشر بدهم من الجامعة الاردنية. ۳۰۴ صفحه.
۲۲. فراهیدی، الخلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*، تحقیق مهدی المخرومی و ابراهیم السامرای، ایران، مؤسسه الدار الهجره. جلد ۱، ۳۶۹ صفحه.
۲۳. علیا، ساجده (۱۳۹۰). «جایگاه حقوق شهروندی در عصر هخامنشیان»، *تعالی حقوق*، سال ۴. شماره های ۱۳ و ۱۴، صفحات ۱۷۹-۱۹۰.
۲۴. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، جلد ۸، چ ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه. جلد ۶، ۳۵۶ صفحه.
۲۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). «عدالت و حقوق بشر»، فصلنامه *حقوق*، دوره ۳۷، شماره ۳. صفحات ۳۲۳-۳۳۱.
۲۶. گرجی، مصطفی (۱۳۸۱). «گفتگوی فرهنگ ها و تحلیل مؤلفه های آن در مثنوی معنوی»، فصلنامه *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، دوره جدید، ش ۱. صفحات ۹۱-۱۱۲.
۲۷. گیورث، آلن. (۱۳۸۴). «آیا حقوق بشری وجود دارد؟ مبانی نظری حقوق بشر»، *مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر*، ترجمه محمد حبیبی مجنده. قم، دانشگاه مفید. چاپ اول. صفحات ۱۵۸-۱۴۹.
۲۸. متواضع، مسعود (۱۳۹۲). *زرتشت، کوروش و حقوق بشر*، تهران، کاکتوس. ۱۱۲ صفحه.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰ش). *کاوش ها و چالش ها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. جلد ۱. ۱۵۰۰ صفحه.
۳۰. جمال، مصطفی؛ ابراهیم سعد، نبیل (۲۰۰۲م). *النظرية العامة للقانون*، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقية.
۳۱. مردیها، مرتضی (۱۳۸۶). «جنس فلسفی حقوق بشر» فصلنامه *حقوق*، دوره ۳۸، شماره ۴، صفحات ۲۹۷-۳۱۷.
۳۲. ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹). *تاریخ فلسفه غرب*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه. جلد سوم، ۲۴۲ صفحه.
۳۳. موحد، محمدعلی (۱۳۸۱). *در هوای حق و عدالت*، تهران، نشر کارنامه. ۶۵۴ صفحه.
۳۴. مورژن، ژاک (۱۳۸۰). *حقوق بشر*، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ۱۰۸ صفحه.
۳۵. نائینی، میرزا محمدحسین غروی (۱۴۱۸). *منیه الطالب فی حاشیه المکاسب*، تهران، المکتبه المحمدیه. چاپ اول. جلد دوم.
۳۶. نظری نژاد، محمدرضا؛ پرستش، رضا (۱۳۸۹). «حقوق بشر؛ از اسطوره های قوم مدار تا ادیان انسان گرا»، *حقوق بشر*، دوره ۵، شماره ۲، صفحات ۲۹-۳۸.

۳۷. والدرون، جرمی (۱۳۸۷). *فلسفه حق*، ترجمه اسماعیل نعمت‌اللهی، فصلنامه فقه و حقوق (حقوق اسلامی).

شماره ۳. صفحات ۴۱-۵۶.

۳۸. ساسانفر، آبتین (۱۳۹۰). گاتاها سرودهای زرتشت اشو. بهجت. ۱۱۷۸ صفحه.

۳۹. هکی، فرشید (۱۳۸۹). *گفتمان حقوق بشر برای همه*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

